

۴۸
۲۰۰۶

خام بیرون سیکبا دوست بسیار عزیز و بهمان

گر ما مهر عشق و دینش نوزدی که در ستادید و یاد یار فربان آید همی و رودکی جاودان را به یاد کرد
 او که کردم حقیقت دل ام بودی شارا کرده است و جوی دیوار ای سحرانه ان را در آورک که گویی یک قرن پیش
 بود نه ۱۵ سال اسید و لرم دین از پیر ارشد در هر گنجی که باقیه
 دوست و آنکه عمرت از کجا آما تازه ما سها بن خیرم برام لطفاً بنویسید ۱۱۰ من و سرم بنور
 همی آن هم زاد و هم نفع ام سال پنن جلد اول مجموعه ای از شمار از اهل انهنان در ۲۰۰ صفحه توسط
 انت است نگاه در آن تشریح است این است که کلید = ۱۴۰۰ صفحه ای است که من آماده کرده
 بودم با سبکهای که از برگزیده و بر نوبت شرف از سخن ما گوید تا سفاک چاپ شد !!
 ارتحال را هم بنویس تا این سخن دوست که گاهی دوست به ناصد ای سال کن هم چاپ شده که فضا
 رسانی در کفای را در هم می آید

به هر حال این آرزوی من است که کتاب از مهر دوستار گذشت و به دست هم مینالی مان رسید
 سر نوبت بقیه سخن را هم خواهد شد، شما دانم، برینزه حاله تن فرمان جان نمی برد که باید ببرد
 بیرون جان، شاعران مهاجر، برنده گان جن امینان اند، وارث نزارند، وارث
 اگر هم گران تر از حدان طلاست، همچون گل آما ناصد با در مر است
 اما من به شما منتقدانی آگاه چه در ایران و چه در خارج اسید و لرم
 سال نوبت سر سراز شاری و پیر و زنی باد و هم لاره

به گم می دوستی سال
 و اله